Islamic Maaref University

Scientific Journal

ANDISHE-E-NOVIN-E-DINI

Vol. 20, Autumn 2024, No. 78

Convergence and Divergence of Albani`s Scientific Salafi Thought and Approach with Salafi Currents

Mehdi Masaeli [1]

1. Doctoral student of Islamic religions, University of Religions and Denominations, Arasheh trend, Qom, Iran.
mahdi.noor@gmail.com

Abstract Info	Abstract
Article Type: Research Article	Albani is known as the most prominent contemporary Salafi scholar of hadith among Salafi currents, and his opinions attract the attention of Salafist academic societies. Although Albani`s Salafism has many commonalities and convergence with other Salafists in religious thinking and approach, it has differences and divergences with them in many ways. Based on this, in this article, the issue of convergence and divergence of the Albani`s scientific Salafist thought and approach with other Salafist currents has been investigated with the library research method. The findings of the research show that the scientific Albani`s Salafism converges with the Salafist currents in the main and identity-building axes of Salafism. In contrast, some of Albani's thoughts and opinions, such as opposition to Ibn Taymiyyah in some opinions, denial of a special scientific position for Muhammad Ibn Abdul Wahhab, differences in religious and jurisprudential opinions, opposition to his takfirism and aversion to politics have caused differences and divergences with some Salafist currents.
Received: 2024.06.15 **Accepted:** 2024.10.02	
Keywords	Scientific Salafism, Wahhabism, Albani, Ibn Taymiyyah, Saudi Arabia, Jihad, Politics.
Cite this article:	Masaeli, Mehdi (2024). Convergence and Divergence of Albani`s Scientific Salafi Thought and Approach with Salafi Currents. *Andishe-E-Novin-E-Dini*. 20 (3). 169-188. DOI: https://doi.org/10.22034/AUTUMN.8
DOI:	https://doi.org/10.22034/AUTUMN.8
Publisher:	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

مجلة علمية
الفكر الديني الجديد
جامعة المعارف الإسلامية
السنة ٢٠ / خريف عام ١٤٤٦ / العدد ٧٨

التقارب والتباعد بين الفكر والمنهج السلفى العلمى عند الألبانى والتيارات السلفية

مهدي مسائلي [١]

١. طالب دكتوراه في قسم الأديان الإسلامية،فرع التقريب، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران.
mahdi.noor@gmail.com

معلومات المادة	ملخّص البحث
نوع المقال: بحث **تاريخ الاستلام:** ١٤٤٥/١٢/٠٨ **تاريخ القبول:** ١٤٤٦/٠٣/٢٨	يُعرف الألباني بأنه أبرز علماء الحديث السلفي المعاصر بين التيارات السلفية، وتجذب آراؤه اهتمام الجمعيات السلفية. ورغم أن السلفية الألبانية لديها الكثير من القواسم المشتركة والتقارب مع السلفيين الآخرين في الفكر والمنهج الديني، إلا أنها تختلف معهم وتختلف معهم في جوانب عديدة. وعلى هذا، فقد تم في هذا البحث مسألة التقارب والتباعد بين الفكر والمنهج السلفي العلمي الألباني مع التيارات السلفية الأخرى، باستخدام منهج البحث في المكتبات. وتشير نتائج البحث إلى أن السلفية الألبانية العلمية تتقارب مع التيارات السلفية في المحاور الرئيسة وبناء الهوية السلفية.وعلى النقيض من بعض أفكار وآراء الألباني، مثل معارضة ابن تيمية في بعض الآراء، ونفي المكانة العلمية الخاصة لمحمد بن عبد الوهاب، والاختلاف في الآراء الدينية والفقهية،و رفضه للتكفير وتجنبه للسياسة قد أفضى إلى خلافات وتباينات مع بعض التيارات السلفية.
الألفاظ المفتاحية	السلفية العلمية، الوهابية، الألباني، ابن تيمية، السعودية، الجهاد، السياسة.
الاقتباس:	مسائلي، مهدي (١٤٤٦). التقارب والتباعد بين الفكر والمنهج السلفى العلمي عند الألباني والتيارات السلفية. *مجلة الفكر الديني الجديد*. ٢٠ (٣). ١٨٨ ـ ١٦٩. DOI: https://doi.org/10.22034/AUTUMN.8
رمز DOI:	https://doi.org/10.22034/AUTUMN.8
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية. قم: ايران.

نشریه علمی
اندیشه نوین دینی
سال ۲۰، پاییز ۱۴۰۳، شماره ۷۸

همگرایی و واگرایی اندیشه و رویکرد سَلَفیِ علمیِ اَلبانی با جریان‌های سلفی

مهدی مسائلی [۱]
۱. دانشجوی دکتری مذاهب اسلامی گرایش تقریب دانشگاه ادیان و مذاهب. قم، ایران.
mahdi.noor@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
(۱۶۹ ـ ۱۸۸)

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۳/۲۶
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۷/۱۱

چکیده

البانی به عنوان برجسته‌ترین شخصیت حدیث‌شناس معاصر سلفی در میان جریان‌های سلفی شناخته می‌شود و نظرات وی موجب توجه مجامع علمی سلفیون قرار دارد. سلفی‌گری البانی با وجود اشتراکات و همگرایی زیادی که با سایر سلفیون در تفکر و رویکرد دینی دارد، از جهات متعددی نیز با آنها دارای اختلاف بوده و دچار واگرایی است. بر این اساس در این مقاله، مسئله همگرایی و واگرایی اندیشه و رویکرد سلفی علمی البانی با سایر جریان‌های سلفی با روش پژوهش کتابخانه‌ای بررسی شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سلفیت علمی البانی در محورهای اصلی و هویت‌ساز سلفیت با جریان‌های سلفی همگرا است. در مقابل بعضی از اندیشه‌ها و نظرات البانی همچون مخالفت با ابن تیمیه در بعضی از نظرات، نفی جایگاه علمی خاص برای محمد بن عبدالوهاب، اختلاف در مذهب و نظرات فقهی، مخالفت با تکفیرگرایی و سیاست‌گریزی وی موجب اختلاف و واگرایی با بعضی از جریان‌های سلفی شده است.

واژگان کلیدی: سلفی علمی، وهابیت، البانی، ابن تیمیه، عربستان سعودی، جهاد، سیاست.

استناد: مسائلی، مهدی (۱۴۰۳). همگرایی و واگرایی اندیشه و رویکرد سَلَفیِ علمیِ اَلبانی با جریان‌های سلفی. *اندیشه نوین دینی*. ۲۰ (۳). ۱۸۸ ـ ۱۶۹. DOI: https://doi.org/10.22034/AUTUMN.8

کد DOI: https://doi.org/10.22034/AUTUMN.8

ناشر: دانشگاه معارف اسلامی. قم: ایران.

طرح مسئله

در تقسیم‌بندی سلفی‌گری معاصر گاهی از سلفی علمی یاد می‌شود که شخصیت اصلی و پایه‌گذار آن را محمد ناصرالدّین اَلْبانی می‌دانند. سلفی علمی اگرچه به مدح و تمجید شخصیت‌هایی همچون ابن‌تیمیه و محمد بن عبدالوهاب می‌پردازد و قرابت زیادی با آنها دارد، اما دنباله‌روی صرف و تقلید از آنها را نیز روا نمی‌داند و اختلاف فکری با این شخصیت‌ها را در چهارچوب تفکر سَلَفی می‌پذیرد. در واقع سلفی علمی بر محوریت قرآن و حدیث و بازگشت به سلف ـ با دیدگاه خودشان ـ تأکید دارد و مدعی بررسی و برداشت علمی از منابع دینی است. این موضوع سبب شده علی‌رغم شباهت‌های زیاد این جریان با سایر طیف‌های سلفی و به‌خصوص سلفی نجدی (وهابیت)، اختلافات مهمی نیز با آنها داشته باشد. این شباهت‌ها و اختلافات موجب هم‌گرایی و واگرایی این طیف با جریان‌های سلفی شده است. هدف این پژوهش نشان دادن نقاط اتصال و جدایی این تفکر از جریان‌های سلفی در جهان اسلام و تبیین اندیشه‌ها و رویکرد این جریان است. براین‌اساس، این سؤال اصلی مطرح می‌شود که: «محورهای هم‌گرایی و واگرایی اندیشه و رویکرد سلفی علمی البانی با سایر جریان‌های سلفی چیست؟» برای پاسخ به این سؤال دو سؤال فرعی مطرح می‌شود:

۱. اشتراکات و رویکردهای همگرایانه سلفی علمی البانی با جریان‌های سلفی چیستند؟

۲. اختلافات و رویکردهای واگرایانه سلفی علمی البانی با جریان‌های سلفی چیستند؟

این پژوهش برای پاسخ به این سؤالات، با روش کتابخانه‌ای به گردآوری و تحلیل اطلاعات در این زمینه می‌پردازد.

پیشینه

در بررسی پیشینه این پژوهش، مقاله یا کتابی که به تمام جوانب هم‌گرایی و واگرایی سلفیت البانی با سایر جریان‌های سلفی بپردازد، یافت نشد. بااین‌حال، در پژوهش‌هایی که به بررسی اندیشه‌های سلفی علمی البانی یا اندیشه‌های سلفیون پرداخته‌اند به جوانبی از این موضوع پرداخته شده است. پژوهش‌های یافت شده عبارتند از:

مقاله «واکاوی انگاره‌های بنیادگرایی سلفی در اندیشه شیخ ناصرالدین اَلبانی» در ضمن بیان اندیشه‌های البانی به مواردی از اختلافات فکری با سایر سلفیون اشاره کرده است (چهل‌تنان و گلشنی، ۱۳۹۷: ۱۲۰ ـ ۹۷).

مقاله «بررسی اختلافات اعتقادی ابن‌تیمیه و البانی» نیز به ابعاد محدودی از این موضوع پرداخته است (کاظمی، ۱۳۹۵: ۹۶ ـ ۷۷).

مقاله «گفتمان سلفیه علمی؛ سیاست پرهیزی و واسازی سلفیت وهابی» نگاه سیاسی سلفی علمی البانی را بررسی نموده است و اختلافات با آن گروه‌های سلفی تکفیری جهادی را بیان کرده است (اکوانی و میراحمدی، ۱۳۹۶: ۴۱ ـ ۶۹).

کتاب ***بررسی و نقد مبانی و آرای حدیثی البانی*** که در اصل پایان‌نامه دکتری سیفعلی زاهدی‌فر است، بیشتر به اتفاق‌نظر البانی با تفکر حدیثی سلفیان پرداخته است و در مواردی دیدگاه متفاوت او را دراین‌باره بررسی کرده است (زاهدی فر، ۱۳۹۴: ۶ ـ ۹).

کتاب ***الإیجاز فیما اختلف فیه الألبانی وابن‌عثیمین وابن‌باز*** نوشته سعد بن عبدالله بریک که با نگاه مثبت به اختلافات درون‌سلفی به نگارش در آمده است، ابعادی از اختلاف البانی با دو عالم سرشناس عربستان سعودی را بررسی کرده است.

مقاله پیش‌رِو به بررسی ابعاد واگرایی و هم‌گرایی سلفی البانی با تمام جریان‌های سلفی و در همه ابعاد حدیثی، اعتقادی، فقهی، سیاسی و ... می‌پردازد، موضوعی که در هیچ پژوهشی به آن پرداخته نشده است.

معرفی البانی

محمد ناصرالدّین اَلبانی (۱۳۳۲ ـ ۱۴۲۰ق) معروف به اَلبانی فقیه و حدیث‌پژوه سلفی معاصر است که از او به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های علمی سلفیون در دوران معاصر یاد کرده‌اند و به‌خصوص تحقیقات حدیثی، مورد توجه آنها است (شیبانی، ۱۹۸۷: ۵۴۳؛ محمد العلی، ۱۴۲۲: ۱۹). همان‌گونه که از نام وی مشخص است وی متولد کشور آلبانی است ولی در نه سالگی به همراه پدرش به سوریه مهاجرت کرد و در آنجا تحصیلات علمی و دینی خویش را طی نمود و تحت‌تأثیر اندیشه سلفی‌گری قرار گرفت (شیبانی، ۱۴۰۷: ۴۵ ـ ۴۴). البانی به دعوت عبدالعزیز بن باز، مفتی اعظم عربستان، به مدت سه سال از تاریخ ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ قمری (۱۹۶۳ ـ ۱۹۶۱ م) به تدریس در دانشگاه مدینه پرداخت، اما به‌خاطر اختلاف‌نظرها و فشارهای مخالفان از تدریس در این دانشگاه برکنار شد و به دمشق بازگشت (همان: ۶۰). بعدها وی از سوریه به اردن هجرت نموده، دوباره به سوریه برگشت و از آنجا به بیروت، سپس به امارات و درنهایت مقیم شهر عَمّان پایتخت اردن شد (همان: ۷۰). او در اواخر حیاتش دچار بیماری‌های سختی شد و در ۲۲ جمادی اول ۱۴۲۰ قمری (۲ اکتبر ۱۹۹۹ م) در سن ۸۵ سالگی درگذشت (محمد العلی، ۱۴۲۲: ۵۲).

۱. همگرایی سَلَفیِ علمیِ اَلبانی با جریان‌های سلفی

البانی در خطوط کلی اندیشه‌های اعتقادی با جریان‌های سلفی و به‌خصوص جریان وهابیت هم‌فکر و هم‌راستا است. در واقع او همان مسیر فکری و روش ابن‌تیمیه را دنبال می‌کند. پررنگ بودن نقل‌گرایی و

دوری از استنباط‌های عقلی، شرک‌انگاری توسلات به اولیای الهی و انفتاح باب اجتهاد فقهی از مؤلفه‌های هم‌گرایی سلفی علمی البانی با جریان‌های سلفی همچون وهابیت است که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

یک. رویکرد حدیثی و سلفی‌گرایی

وجوب اقتدا به سَلَف (یعنی اصحاب پیامبرﷺ، تابعین و تابعینِ تابعین) و صحیح بودن فهم آنها نسبت به خَلَف (بعد از سه قرن نخست هجری) یکی از اصول مهم اندیشه البانی است (عبدالمنعم سلیم، ۲۰۰۴: ۲۱؛ البانی، بی‌تا الف: ۳۸ / ۲). از نظر وی فهم صحیح کتاب و سنت بدون توجه و مراجعه به سلف صالح ممکن نیست (همو، ۱۴۳۱: ۱ / ۲۲۰). وی طرف‌دار به کار بردن تعبیر عنوان سلفی و انتساب به آن است و آن را فرقه ناجیه‌ای می‌داند که در حدیث معروف «افتراق» به آن اشاره شده است (همان: ۲۶۸). توجه به حدیث و محوریت آن در تمام ابعاد دین نیز یکی از محورهای این سلفی‌گری است. او منتقد جدی بهره‌گیری از روایات آحاد در عقاید است و معتقد است که: «سلف مطلقاً هیچ‌گونه فرقی بین خبر واحد و متواتر قائل نبوده‌اند» (عبدالمنعم سلیم، ۲۰۰۴: ۵۱ ـ ۴۶). او به ظاهرِ قرآن و احادیث، التزام عِلمی و عَمَلی داشت و از تأویل پرهیز نمود (همان: ۵۳). براین‌اساس، سلفیت البانی همچون رویکرد قاطبه سلفی‌ها به شدت ظاهرگرا و مخالف تأویل است.

دو. مخالفت با عقل و عقل‌گرایی

البانی جایگاهی برای عقل در امور دینی قائل نیست و عقل حقیقی را عقل معتبد به ظاهر کتاب و سنت می‌داند. پس عقل نه می‌تواند دین را اثبات کند و نه آن را تبیین کند (البانی، ۱۴۳۱: ۱ / ۴۵۱ ـ ۴۴۴). البانی معتقد است که هیچ‌یک از احادیثی که درباره فضیلت عقل نقل شده‌اند، صحیح نیستند؛ و این احادیث یا ضعیف‌اند یا جعلی و ساختگی (همو، ۱۴۱۲: ۱ / ۵۳). او در تأیید این باور خود، از ابن‌قیم جوزیه نقل می‌کند که تمام احادیث مربوط به عقل دروغ است (همان: ۵۴). بر اساس این رویکرد، البانی همچون سایر سلفیونِ تابع ابن‌تیمیه از مخالفان فلسفه، منطق و علم کلام به شمار می‌آید و این علوم را موجب انحراف مسلمانان از مسیر دین و شریعت می‌داند (همو، بی‌تا الف: ۳۹ / ۳).

سه. نگاه مشترک به توسل، طلب شفاعت و زیارت

تفکر و رویکرد البانی در موضوع توحید و شرک و موضع‌گیری درباره توسل و طلب شفاعت مطابق با دیدگاه‌های ابن‌تیمیه و تابعان وی همچون ابن‌قیم است و اندیشه‌های وی در این موضوع تفاوت چندانی با سلفیان نجدی (وهابیت) ندارد (عبداللهی و عتیق گلباف، ۱۳۹۸: ۱۲۱ ـ ۱۰۳). براین‌اساس، البانی توسل

به ذات و جاه پیامبرﷺ نزد خداوند را غیرمشروع و غیرجایز می‌داند (البانی، ۲۰۰۱: ۴۲). همچنین طلب شفاعت یا درخواست مستقیم از پیامبرﷺ بعد وفات ایشان را شرک تلقی می‌کند (همو، ۱۹۷۸: ۱۷). البانی قصد سفر برای زیارت پیامبرﷺ را جایز نمی‌داند (همو، ۲۰۱۰: ۲ / ۵۶۰) و قرار گرفتن قبر پیامبرﷺ در محیط مسجدالنبی را نیز عمل نادرستی می‌داند که در دوران متأخر انجام شده است و خواستار جداسازی قبر پیامبرﷺ از مسجدالنبی می‌شود (همو، ۲۰۰۱ ب: ۱ / ۹۱). سخنان و مباحث البانی در این زمینه مورد توجه و استفاده گروه‌های مختلف سلفی و به‌خصوص سلفی نجدی (وهابیت) است. البانی نیز در آثار و سخنان خویش بارها از اندیشه‌های جریان وهابیت، در ابعاد اعتقادی و مرتبط با توحید و شرک دفاع کرده است و از تلاقی اندیشه خویش با آنها سخن گفته است (همو، بی‌تا: ۳۸ / ۱۳). در واقع البانی هرچند خود را یک سلفی مقید به فهم و برداشت سلف از منابع دینی می‌داند ولی در این موضوعات مهم بازگشت به اندیشه‌های ابن‌تیمیه دارد و برخلاف دغدغه نفی تقلید که همیشه مطرح می‌کند، مقلد ابن‌تیمیه است زیرا در میان سلف هیچ‌گاه چنین نگاه تکفیری وجود نداشته است و کلام و سیره آنها با این اندیشه متضاد است (سبحانی، ۱۳۹۶: ۱۱۰).

چهار. انفتاح باب اجتهاد

البانی همچون سایر سلفی‌ها قائل به انفتاح باب اجتهاد است و معتقد است در زمان کنونی نیز کسانی که توانایی اجتهاد دارند باید با مراجعه مستقیم به قرآن و احادیث، احکام شرعی را به دست آورند و از تقلید بپرهزند. کسانی نیز که به درجه اجتهاد نرسیده‌اند، باید روش اتباع را در پیش گیرند و با نگاه به دلایلی که مجتهدان برای اثبات احکام شرعی بیان می‌کنند، از قوی‌ترین دلیل در احکام شرعی پیروی کنند. تقلید صرف فقط برای عوامی جایز است که هیچ شناختی نسبت به علوم دینی ندارند (البانی، بی‌تا: ۶ / ۱۴). البته انفتاح باب اجتهاد اگرچه یک اصل مشترک میان البانی و سایر سلفی‌ها است ولی موضوع اجتهاد در ذیل یک مذهب مشخص، موجب جدایی و واگرایی البانی از آنها شده است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۲. واگرایی سَلَفیِ علمیِ اَلبانی با جریان‌های سلفی

با وجود اشتراکات فکری و هم‌گرایی البانی با جریان سلفی و به‌خصوص سلفیان نجدی (وهابیت) اختلافات مهمی نیز میان آنها وجود دارد که منجر به واگرایی بین آنها شده است. البانی معتقد است تقیّد بر ملاک‌های علمی و نفی نگاه تقلیدی، اقتضای این اختلاف‌ها را دارد (صنعانی، ۱۴۰۵: ۴۷). ولی بااین‌حال، مخالفان سلفی‌اش، او را با اتهام‌های مختلفی روبرو کرده و نقدهای تندی بر وی داشته‌اند (البانی، ۲۰۰۲: ۵). در ادامه این اختلافات و واگرایی‌ها بررسی می‌شود.

یک. مخالفت با ابن‌تیمیه

افکار البانی قرابت زیادی به اندیشه‌های ابن‌تیمیه دارد. او برای ابن‌تیمیه جایگاه علمی والایی قائل است و در بسیاری از مباحث به سخنان ابن‌تیمیه استناد کرده یا به شرح و توضیح آن می‌پردازد. بااین‌حال، وی نگاه تقلیدی محض به اندیشه‌ها و نظرات ابن‌تیمیه ندارد و در موارد مهمی به مخالفت با ابن‌تیمیه پرداخته و سخنان او را نقد می‌کند. در ادامه تعدادی از این موارد بیان می‌شود.

الف) مخالفت در انکار فضائل امام علی و اهل‌بیت علیهم‌السلام

ابن‌تیمیه در موارد متعددی به تضعیف فضایل امام علی علیه‌السلام پرداخته است و آنها را تکذیب نموده است. البانی در تحقیقات حدیثی‌اش به نقد تضعیف‌های ابن‌تیمیه می‌پردازد و صحت این احادیث را بیان می‌کند. نمونه مهم این اختلاف را درباره حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در روز غدیر می‌توان دید. البانی در جلد چهارم کتاب ***سلسلة الأحاديث الصحيحة*** و ذیل حدیث: «**من كنت مولاه، فعلي مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه**»، تحقیقی درباره اسناد و طرق مختلف این حدیث بیان می‌کند و می‌گوید:

> آنچه مقدورم بود از اسناد و طرق حدیث را استخراج و ذکر کردم بدان میزان که شخص با وقوف و آگاهی بر آنها و تحقیق سندهایشان به صحت این حدیث یقین پیدا می‌کند، وگرنه طرق و اسناد این حدیث واقعاً زیاد است و اِبْن‌عُقْده در کتاب مفرد آنها را گردآوری کرده است و حافظ ابن‌حجر درباره آنها می‌گوید: «بعضی از آنها صحیح‌اند و بعضی حسن». و خلاصه کلام اینکه حدیث با دو فراز «**من كنت مولاه، فعلي مولاه**» و «**اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه**» حدیثی صحیح است، بلکه فراز اول از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله متواتر است چنانچه برای کسی که اسناد و طرق آن را بررسی کند، آشکار است و آنچه من ذکر کردم برای این امر کفایت می‌کند. (همو، ۱۹۹۵: ۴ / ۳۴۳).

او سپس انگیزه خود را برای این تحقیق این‌گونه بیان می‌کند:

> هنگامی که این مطلب را دانستی، پس[بدان] امری که مرا برای بحث درباره این حدیث و بیان صحت آن برانگیخت، آن بود که دیدم شیخ‌الاسلام ابن‌تیمیه فراز اول حدیث [یعنی: «من كنت مولاه، فعلي مولاه»] را تضعیف کرده است و پنداشته است که فراز دوم [یعنی: «اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه»] دروغ است! در نظر من این موضوع به‌خاطر افراط و زیاده‌روی او است که ناشی از شتابش در تضعیف احادیث قبل از گردآوری طرق آنها و دقت‌نظر در آنها است (همان: ۳۴۴).

البانی همین رویکرد انتقادی را در ذیل حدیث «**ما تريدون من علي؟ إن عليا مني وأنا منه وهو ولي**

کل مؤمن بعدي» دنبال می‌کند. او پس از اینکه تحقیقی درباره صحت این حدیث ذکر می‌کند، تعجب خویش را از جرأت ابن‌تیمیه برای انکار این روایت بیان می‌کند و با اشاره به معنای متفاوتی که ابن‌تیمیه از این حدیث بیان کرده، می‌گوید:

> نمی‌دانم با طرح اشکال دلالی از سوی وی، دیگر چه دلیلی برای تکذیب این حدیث وجود دارد، جز شتاب و مبالغه وی در رد شیعه، خداوند ما و او را بیامرزد (همان، ۱۹۹۵: ۵ / ۲۶۱).

البانی در موارد دیگری نیز بدون نام بردن از ابن‌تیمیه با رویکرد انکاری او درباره فضایل امام علی‌علیه‌السلام مخالفت کرده است. یکی از این موارد جایی است که ابن‌تیمیه در ***منهاج السنة*** به نقد حدیث رایهٔ می‌پردازد که در آن آمده است پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله در جنگ خیبر فرمودند: «پرچم را فردا به دست کسی می‌دهم که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند. او از میدان جنگ بر نمی‌گردد مگر با فتح و پیروزی». ابن‌تیمیه با وجود اقرار به صحت سند این حدیث، سپرده شدن پرچم قبل از امام علی‌علیه‌السلام به دست ابوبکر و عُمَر بن خطاب و عدم موفقیت آنها را انکار می‌کند و در ادامه با تمرکز بر چشم‌درد امام علی‌علیه‌السلام به تشکیک در فضیلت این حدیث برای امام علی‌علیه‌السلام می‌پردازد و هرگونه برتری ایشان را نسبت به اصحاب ـ و خصوصاً ابوبکر و عمر ـ در این روایت نفی می‌کند (ابن‌تیمیه، ۱۹۸۶: ۷ / ۳۶۶). اما البانی با بررسی اسناد و طرق مختلف این حدیث که در آنها به سابقه سپردن پرچم به ابوبکر و عمر تصریح شده است، آنها را صحیح می‌داند و این توضیح را اضافه می‌کند که:

> این حدیث شهادت می‌دهد بر اینکه پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله بار اول ابوبکر را فرستادند پس پیروزی حاصل نشد، بار دوم عمر را فرستادند پس او نیز پیروز نشد، سپس پیروزی به دست علی حاصل شد، این خصوصیتی است که خداوند به او اختصاص داده نه آن دو، خداوند از همه آنها راضی باشد (البانی، ۲۰۰۲: ۷ / ۷۳۶).

درباره حدیث ثقلین نیز البانی تحقیقی مخالف نظر ابن‌تیمیه ارائه می‌کند. در نقل حدیث ثقلین در کتاب صحیح مسلم آمده است که پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله پس از سفارش به قرآن، سه مرتبه به اهل‌بیتش سفارش می‌کند و می‌فرماید: «**وَأَهْلُ بَيتِي أُذَكِّرُكُمُ اللهَ فِي أَهْلِ بَيتِي، أُذَكِّرُكُمُ اللهَ فِي أَهْلِ بَيتِي، أُذَكِّرُكُمُ اللهَ فِي أَهْلِ بَيتِي**» (مسلم نیشابوری، ۱۹۹۱: ۴ / ۱۸۷۳) ابن‌تیمیه در ***منهاج السنة*** در مقام انکار این فراز برآمده است و می‌نویسد:

> این از نقل‌های اختصاصی مسلم است که بخاری آن را روایت نکرده است و ترمذی نیز بر این نقل افزوده است: «و این دو از هم جدا نمی‌شدند تا زمانی که در کنار حوض بر

> من وارد شوند». تعدادی از حفاظ در این زیاده (فراز توصیه به اهل‌بیت) اشکال کرده‌اند و آن را جزء حدیث ندانسته‌اند.

اما البانی با بیان اسناد و طرق مختلف این حدیث صحت آن را متذکر می‌شوند و بیان تعابیر مشابه در احادیث فراوان، اصالت فراز توصیه به اهل‌بیت را اثبات می‌کند. او تلاش بعضی از معاصرین برای انکار و رد این حدیث و فراز موردنظر را غیر علمی می‌داند و آن را ناشی از استفاده شیعه از این حدیث برای اثبات امامت اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌داند (البانی، ۱۹۹۵: ۴ / ۳۵۹). البته البانی برای رد استدلال شیعه از روشی دیگر بهره می‌گیرد و به تصرف و توسعه در معنای اهل‌بیت و عترت می‌پردازد؛ به‌گونه‌ای‌که نه‌تنها آن را شامل زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌داند بلکه علمایی را که آگاه به حدیث و سنت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله هستند نیز داخل در معنای اهل‌بیت می‌کند (همان: ۳۶۰). اما تفسیری که البانی از اهل‌بیت ارائه می‌کند نه‌تنها در میان متأخرین شاذ و غیرقابل‌قبول است که در میان سلف نیز چنین تفسیری از اهل‌بیت ارائه نشده است. این در حالی است که طبق مبانی البانی در این موارد باید به فهم سلف مراجعه نمود. اما طبق سایر روایات و فهم محدثین سلف هیچ‌گاه اهل‌بیت عمومیت موردنظر البانی را ندارد و در واقع البانی در اینجا از تأویلاتی بهره برده است که همواره از آن نهی کرده است.

ب) فانی بودن آتش جهنم

یکی دیگر از مسائل مورد اختلاف میان البانی و ابن‌تیمیه، فانی بودن آتش جهنم است. ابن‌تیمیه و شاگردش ابن‌قیم با استناد به بعضی از نقل‌هایی که مهم‌ترین آن سخنی از عمر بن خطاب است، معتقد به فناء و زوال آتش جهنم و به تَبَع آن، عدم خلود کفار و جهنمیان در آن هستند (ابن‌قیم، ۱۴۲۸: ۱ / ۷۳۴؛ صنعانی، ۱۴۰۵: ۹). البانی در کتاب ***سلسلة الأحادیث الضعیفة والموضوعة*** و مقدمه‌اش بر کتاب ***رفع الأستار لإبطال أدلة القائلین بفناء النار*** نوشته صنعانی به نقد و رد این نظریه می‌پردازد و می‌گوید:

> ایمان و یقیق من به سخن جمعی از امامان زیاد شده است که گفته‌اند: هیچ‌کس از ما نیست مگر بر او ردی وارد است بجز پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله. پس این شیخ‌الاسلام ابن‌تیمیه دچار لغزش قدم شده است و سخنی بی‌سابقه و بدون دلیل را گفته است و از اینجاست که گفته‌اند: «لغزش عالِم موجب لغزش عالَم می‌شود. (همان: ۴۷).

البانی معتقد است که ابن‌تیمیه و ابن‌قیم همان ایرادی که به اهل بدع و اهواء در تأویل و دوری از نصوص می‌گرفتند، خودشان مرتکب شده‌اند (همان: ۳۹). البته البانی تلاش زیادی می‌کند از طعن به ابن‌تیمیه و ابن‌قیم به‌خاطر این نظریه جلوگیری کند. او می‌گوید اگر آنها ادله بطلان این نظریه را می‌دیدند قانع می‌شدند یا اینکه این اعتقاد را اجتهادی صادق تلقی می‌کند که در آن معذور و مأجور

هستند (همان: ۳۴). البانی عدم تبعیت دیگران از ابن‌تیمیه و ابن‌قیم در این مسئله را از الطاف الهی می‌داند (همان: ۳۴).

ج) تسلسل حوادث در گذشته و آینده

ابن‌تیمیه بر اساس اعتقاد به قدیم و ازلی و ابدی بودن صفت خلقت برای خداوند معتقد است که خداوند از ازل مخلوقی پس از مخلوق دیگر را خلق کرده است و این خلقت تا ابد ادامه دارد. براین‌اساس، او معتقد به تسلسل مخلوقات در گذشته و آینده است (ابن‌تیمیه، ۱۹۹۵: ۱۸ / ۲۳۹). اما البانی با این اعتقاد مخالف است و آن را خلاف احادیث می‌داند. وی دراین‌باره می‌نویسد:

> ابن‌تیمیه معتقد به تسلسل حوادث از ازل است همان‌گونه که وی و غیر او معتقد به تسلسل حوادث تا ابد هستند و این نظر قابل‌قبول نیست بلکه باتوجه‌به این حدیث که اولین مخلوق قلم است، مردود است. چقدر دوست داشتم ابن‌تیمیه وارد این موضوع نمی‌شد زیرا صحبت دراین‌باره شبیه به فلسفه و علم کلام است که ما از او انذار و رویگردانی از آنها را آموختیم، ولکن چه راست گفت امام مالک که: هیچ‌کس از ما نیست جز اینکه بر او ردی وارد است مگر صاحب این قبر [اشاره به پیامبرﷺ] (البانی، ۱۹۹۵: ۱ / ۲۵۸).

د) تشبیه و تجسیم خداوند

البانی همچون سایر سلفیان نگاهی ظاهری به صفات خبری خداوند دارد و مخالف هرگونه تأویلی است و براین‌اساس برای خداوند صفاتی مثل نزول، استواء بر عرش، آمدن در قیامت و دیده شدن ـ بدون علم به کیفیت آنها ـ در نظر می‌گیرد (همو، ۱۹۹۲: ۸ / ۳۶۳). بااین‌وجود، او نسبت به سایر نقل‌های که درباره تشبیه یا تجسیم خداوند صراحت بیشتری دارد، سخت‌گیرانه عمل می‌کند و اقوالی را که مستند به روایات ضعیف هستند، نمی‌پذیرد. این موضوع، موجب مخالفت او با بعضی از اندیشه‌های ابن‌تیمیه و بعضی از سلفی‌ها در صفات خبری خداوند شده است. چنانچه البانی نقل‌هایی را که حاکی از استقرار و نشستن خداوند بر عرش دارد، ضعیف می‌داند و چنین نسبتی را به خداوند مسلتزم تشبیه و تجسیم می‌داند. (همان: ۲ / ۲۵۶؛ ذهبی، ۱۹۸۱: ۱۸) این در حالی است که ابی‌حیان اندلسی (م. ۷۵۴ ق) از معاصران ابن‌تیمیه نقل می‌کند که به خط وی در کتاب ***العرش*** خوانده است: «خداوند بر کرسی می‌نشیند و محلی را برای نشستن رسول خدا در کنار خودش خالی می‌گذارد» (ابی‌حیان، ۱۹۸۷: ۱ / ۲۵۴). همچنین البانی در حدیث «فإن الله خلق آدم علي صورته» بازگشت ضمیر «صورته» به خداوند را موجب تشبیه می‌داند و احادیثی که در آن تعبیر «علي صورة الرحمن» آمده است را ضعیف و غیرقابل استناد می‌داند (البانی، ۱۹۹۲، ۳ / ۳۱۶). اما ابن‌تیمیه ضمیر در «صورته» را به خداوند بازگشت می‌دهد و آن را نظر سلف در

قرن نخستین می‌داند (ابن‌تیمیه، ۱۴۲۶: ۶ / ۳۷۳). این نظر که بر ابعاد تشبیه خداوند می‌افزاید، مورد قبول علمای سلفی نجدی (وهابیت) است و حتی کتابی به نام عقیدة أهل الأیمان في خلق آدم علي صورة الرحمن توسط تجویری بر رد سخنان البانی نگاشته و با تقریظ عبدالعزیز بن باز مفتی سعودی منتشر شده است (تویجری، ۱۹۸۹: ۸).

دو. نفی جایگاه علمی محمد بن عبدالوهاب و افراطی دانستن وهابیان

البانی در دروس خویش سخنان صریحی درباره محمد بن عبدالوهاب دارد. البانی به تمجید از محمد بن عبدالوهاب می‌پردازد و او را یک مبلغ و دعوتگر سلفی می‌داند که جایگاه ویژه‌ای بعد از ابن‌تیمیه داشت، بااین‌حال، وی محمد بن عبدالوهاب را در تمام ابعاد سلفی‌گری فعّال و موفق نمی‌داند و معتقد است او در عرصه نفی تقلید و مقابله با مذهب‌گرایی اقدامی نداشت. البانی اهتمام و توجه محمد بن عبدالوهاب را منحصر به دعوت به توحید می‌داند که او را از پرداختن به سایر اموری که از نگاه وی متعلق به اسلام ناب و اصیل هستند، بازداشت. وی این موضوع را وجه تمایز شخصیت محمد بن عبدالوهاب از ابن‌تیمیه می‌داند، زیرا از نگاه وی ابن‌تیمیه شخصیت علمی ذوابعادی بود که در عرصه‌های مختلف حدیث، فقه و کلام سلفی سخن گفته است، به خلاف محمد بن عبدالوهاب که اهتمامی به حدیث و فقه سلفی نداشت. البانی محمد بن عبدالوهاب را تابع مذهب فقهی حنبلی می‌داند زیرا در فقه اثری از او برجای نمانده است که همچون ابن‌تیمیه روش سلفی او را مشخص کند. وی محمد بن عبدالوهاب را از جهت علمی شخصیتی عادی همچون سایر مبلغان دینی می‌داند که آگاهی به حدیث صحیح و ضعیف نداشت (البانی، بی‌تا الف: ۳۸ / ۱۳). اما افزون بر این، البانی در سخنان دیگری افراط و غلو را نیز متوجه محمد بن عبدالوهاب و هواداران وی می‌کند و صراحتا می‌گوید:

> ... در حقیقت فضل محمد بن عبدالوهاب بر امت اسلامی بزرگ است ولی چیزی از غلو و تندروی در او بود و این تندروی در گروه اِخوان (اتباع نجدی ابن‌عبدالوهاب) ظاهر شد ... این جماعت (اتباع نجدی) نزدشان چیزی از تندروی است و طبعاً این تندروی را از بعضی نصوص محمد بن عبدالوهاب (رحمه الله) اخذ کردند و این عیب و ننگ تندروی تا به امروز برای اتباع نجدی استمرار دارد؛ و ما در قدیم می‌شنیدیم که آنها (نجدیون) عموم مسلمانان را تکفیر می‌کردند یا به آنها (نجدیون) خوارج می‌گفتند و سخنان دیگر. من زمانی که به آن بلاد مسافرت کردم برایم آشکار شد که در اتباع نجدیون چیزی از این تندروی هست. در[اثبات] آن کفایت می‌کند به اینکه آنها کسی را که به اجماع ما فقط توسل بدعی داشته است، کافر و مشرک می‌دانند. [درحالی‌که]

سزاوار نیست که بگوییم توسل به‌صورت کلی، کفر یا موجب شرک است، [بلکه] واجب است تفصیل قائل شویم که توسل به چه معنایی است و از توسل چه چیزی اراده کرده‌ای، وگرنه امامی از ائمه مسلمین را تکفیر کرده‌ایم و مشرک دانسته‌ایم و او محمد بن علی شوکانی است چون امام شوکانی قائل به جواز توسل (دعا به حق افراد نزد خدا) بوده است (همو، ۲۰۱۰: ۴ / ۲۵۴ ـ ۲۵۳)

جای تعجب است که البانی با وجود اقرار به نبود منزلت علمی برای محمد بن عبدالوهاب و همچنین بیان افراط و تندروی در وی و هوادارانش که خودش به‌صورت ملموس آن را در عربستان درک کرده است، همچنان او را یک مصلح اجتماعی می‌داند. شاید دلبستگی البانی به فعالیت‌های وهابیت موجب این موضع‌گیری است یا شاید محافظه‌کاری در برابر هواداران متعصب محمد بن وهابیت موجب چنین موضعی است.

سه. نفی هرگونه تَمذهُب

البانی نسبت به سایر سلفی‌ها نظر متفاوت و سخت‌گیرانه‌تری نسب به تَمذهُب و پیروی از مذاهب دارد. تمذهب در اصطلاح سلفیه به معنای پیروی از مذهبی خاص است. از نظر اکثر سلفیه تمذهب به مذهب خاص در یک صورت جایز و در یک صورت جایز نیست. آنها تمذهب را درصورتی‌که مکلف از مذهب خاصی پیروی کند و بر صحت آموزه‌های مذهب خود اصرار و تعصب داشته باشد، جایز نمی‌دانند، زیرا از دیدگاه آنان تمذهب به این معنا به برتری دادن دیدگاه امام مذهب بر قرآن و سنت می‌انجامد. اما غالب سلفی‌ها و خصوصاً وهابیت معتقدند که تمذهب درصورتی‌که مکلف فتوای امام مذهب خود را به قرآن و سنت عرضه کند و در صورت توافق آنها را اخذ و در صورت مخالفت آنها را ترک کند، صحیح است و می‌توان در ذیل یک مذهب اجتهاد نمود (محیطی و فرمانیان، ۱۴۰۰: ۴۷۳). از این جهت، عبدالعزیز بن باز مفتی اعظم سعودی (۱۳۳۰ ـ ۱۴۲۰ق) در پاسخ به سؤالی درباره مذهب فقهی خویش می‌گوید:

مذهب من در فقه، مذهب احمد بن حنبل رحمه الله است و این بر اساس تقلید نیست بلکه بر تبعیت در اصولی است که او بر آن طریق بود، اما در مسائل اختلافی، پس روش من در آن ترجیح نظری است که دلیل برتری آن را اقتضا می‌کند و فتوا به آن است، تفاوتی نمی‌کند که مطابق مذهب حنبلی باشد یا مخالف آن؛ به‌خاطر آنکه حق با اِتباع دستیافتی‌تر است. (بن‌باز، ۱۴۲۰: ۴ / ۱۶۶).

وی در پاسخی دیگر، محمد بن عبدالوهاب را در فروع حنبلی و تابع احمد بن حنبل معرفی می‌کند (همان: ۱ / ۳۷۴). همچنین بن‌باز درباره انتساب عنوان وهابیت به خودشان نیز آن را مذهب جدیدی

نمی‌داند بلکه می‌گوید وهابی‌ها در غالب مسائل تابع فقه حنبلی هستند، مگر مسائلی که دلیل برتری نظری دیگر را نسبت به فقه حنبلی اثبات کند. (همو، بی‌تا: ۳ / ۱۵۴) براین‌اساس، وهابیت قائل به پیروی از اصول فکری احمد بن حنبل است و اجتهاد را ذیل مذهب حنبلی دنبال می‌کند.

اما رویکرد البانی در مسئله تمذهب با وهابیت فرق دارد. البانی تمذهب یا همان پیروی از ائمه اربعه را حتی در حد پیروی از اصول فکری آنان جایز نمی‌داند و معتقد است باید مستقیم به سراغ کتاب و سنت رفت و بدون هیچ وابستگی مذهبی اجتهاد نمود. ازاین‌جهت البانی وهابیان را مانند دیگر مسلمانان مقلد می‌داند (محیطی و فرمانیان، ۱۴۰۰: ۴۷۴). در واقع جریان وهابیت و البانی در نقطه انفتاح باب اجتهاد و جواز آن با یکدیگر اشتراک نظر دارند، اما وهابیت این اجتهاد را در ذیل مذهب فقهی حنبلی دنبال می‌کند و به‌نوعی خودشان را مجتهد منتسب می‌دانند، ولی البانی اجتهاد به‌صورت مطلق مستقل را مطرح می‌کند و خواستار مراجعه مستقیم به کتاب و سنت، بدون هیچ پیش‌فرض مذهبی است (البانی، بی‌تا: ۷۲ / ۸ ـ ۷).

چهار. اختلاف در نظرات فقهی

یکی از موارد چالش‌برانگیز میان البانی با سلفیت نجدی (وهابیت) نظرات فقهی او است. این موضوع ریشه در نگاه متفاوت البانی به مذهب‌گرایی و مراجعه مستقیم وی به قرآن و روایت دارد. یکی از فتواهای مهم البانی که موجب موضع‌گیری سرسختانه وهابیت در مقابل وی شد، فتوای او مبنی عدم وجوب پوشاندن صورت و دو دست زنان است. البانی در دهه هفتاد میلادی کتاب ***حجاب المرأة المسلمة*** را نوشت که بعدها نام و عنوان این کتاب را به ***جلباب المرأة المسلمة*** تغییر داد (همو، ۲۰۰۲: ۲۱). البانی در این کتاب درصدد اثبات این مطلب است که پوشاندن صورت و دو دست برای زنان واجب نیست. این فتوا موضع‌گیری‌های زیادی را در عربستان برانگیخت، زیرا عموم فقهای سلفی عربستان معتقد به وجوب پوشش صورت و دو دست برای زنان بودند و فتوای مفتیان عربستان برخلافِ دیدگاه البانی بود و حتی آنها در این زمینه به نگارش رساله نیز پرداخته‌اند (ابن‌عثیمین، ۱۹۹۱: ۱ / ۳۰). ردیه‌های مستقیمی نیز برای این کتاب نگاشته شد که مهم‌ترین آنها کتابی با عنوان ***الصارم المشهور علی أهل التبرج والسفور*** از حمود بن عبدالله التویجری (متوفی: ۱۴۱۳ق) بود. تجویری در این ردیه با تعابیر تندی به نقد البانی می‌پرازد (تویجری، ۱۹۷۴: ۱۸۱). در عربستان نقدهایی این‌چنین فضایی بدبینانه بر علیه البانی به وجود آورده بود، به‌گونه‌ای که البانی در مقدمه چاپ جدید کتاب ***جلباب المرأة المسلمة*** از کسانی گلایه می‌کند که با نقد غیر علمی و همراه با تهمت با او برخورد کردند، گویی او فتوایش را از روی هوای نفس بیان کرده است (البانی، ۲۰۰۲: ۵). او در کتاب مستقلی نیز به نقدها و ردیه‌های تجویری پاسخ گفته است که این کتاب اندکی پس از فوت او منتشر شد (همو، ۱۴۲۱: ۴). افزون بر این، البانی در مسائل فقهی

بسیاری با مفتیان عربستان اختلاف‌نظر داشت. بعضی از این فتواها دارای ابعاد تأثیرگذار اجتماعی بودند، همچون فتوای البانی به کافر نبودن کسی که از روی تنبلی نماز را ترک می‌کند، درحالی‌که مفتیان سعودی همچون بن‌باز تارک نماز را کافر به کفر اکبر می‌دانند (بریک، ۲۰۰۹: ۲۰۳ ـ ۱۷۵).

پنج. مخالفت با تکفیر گسترده

البانی در اندیشه‌های مرتبط با توحید و شرک با وهابیت اشتراک نظر دارد. بااین‌حال، او در به‌کارگیری تکفیر درباره سایر مسلمانان با سایر سلفی‌ها اختلاف‌نظر داشت، آن‌گونه که بعضی از آنها او را مرجئی دانسته‌اند (البانی، ۱۹۹۹: ۳۳). از دیدگاه عموم سلفیون ایمان شامل اعتقاد قلبی، گفتار زبانی و رفتار عملی می‌شود و آنها برخلاف مرجئه، عمل را جزئی از ایمان می‌دانند (ابن‌تیمیه، ۱۹۹۵: ۷ / ۱۷۱). البانی نیز مانند سایر سلفی‌ها عمل را جزء ایمان می‌داند ولی آن را شرط کمال ایمان دانسته و رکن ایمان نمی‌داند. براین‌اساس، از دیدگاه البانی نبودِ عمل موجب نقص ایمان است نه عدم ایمان (البانی، بی‌تا الف: ۴۲ / ۸). افزون بر این او کفر را به دو دسته تقسیم می‌کند: ۱. کفر اعتقادی که محلش قلب انسان است. ۲. کفر عَمَلی که محلش اعمال و رفتارهای انسان است. او تنها کفر اعتقادی را موجب خروج از دین می‌داند و معتقد است که عمل کفرآمیز اگر با اعتقاد قلبی انسان مخالف باشد، موجب کفر و خروج فرد از دین نمی‌شود (البانی، ۱۹۹۶: ۶ / ۱۱۲). این مبنای البانی موجب شد تا سایر سلفی‌ها و خصوصاً وهابیت او را به مرجئه نسبت دهند. البته البانی اندیشه خود را مطابق با اندیشه سلف می‌دانست و با نفی نسبت ارجاء به خودش، اتهام‌زنندگان را جاهلان ناآزموده و جوان نوپا خطاب می‌کند (همو، ۱۹۹۹: ۳). او اعتقادش به کم یا زیاد شدن ایمان، جواز استثناء در ایمان و جزء دانستن اعمال برای ایمان را از دلایل نفی نسبت ارجاء به خود معرفی می‌کند (همو، ۲۰۰۲: ۷ / ۱۵۴). بااین‌حال، این اعتقاد متفاوت البانی چالش‌های مصداقی مهمی در تکفیر با سایر سلفی‌ها به وجود می‌آورد که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

الف) تکفیر حاکم بغیر ما انزل الله

موضوع توحید در حاکمیت یکی از موضوعات پرچالش در میان سلفی‌هاست. این موضوع در قرن نوزدهم در شبه‌قاره هند توسط ابوالاعلی مودودی (۱۹۷۹ ـ ۱۹۰۳ م) مطرح شد که جریان دنبال‌رو اندیشه‌های وی به‌عنوان جریان نوسلفی شناخته می‌شود (امیرخانی، ۱۳۸۹: ۱۴۳). مودودی از آیات قرآن استفاده می‌کند که اسلام و ایمان، همان زیر بار حاکمیت قانونی خداوند رفتن و اقرار به آن است و انکار این معنا، کفر صریح است (مودودی، ۱۹۷۸: ۱۸ ـ ۱۲). او در مقابل وضع حاکمیت و عبودیت خدا، از وضع «طاغوت» و «جاهلیت» نام می‌برد که مبنای آن، پذیرفتن ربوبیت کسی جز خدا و تدبیر امور فردی و اجتماعی بر اساس برنامه‌ای جز قوانین و فرمان‌های خداست (همو، ۱۳۹۳: ۳۵۷ ـ ۳۲۷). در همین مسیر

فکری، سید قطب (۱۹۶۶ ـ ۱۹۰۶ م) نیز با اقتباس از اندیشه‌های مودودی تکفیر حاکمانی را که به غیر دستورات دینی حکم می‌کنند، مطرح کرد و این تکفیر را حتی به کسانی از حاکمان تبعیت می‌کنند، سرایت داد (سید قطب، ۱۴۱۲: ۲ / ۱۱۰۶). بعدها اندیشه‌های سید قطب به‌عنوان بیان فکری سلفی‌های جهادی قرار گرفت و برپایه آن حرکت‌ها و گروه‌های جهادی در دنیای اسلام و اهل‌سنت گسترش پیدا کرد. اما ناصرالدین البانی یکی از مخالفان و منتقدان تکفیر حاکمان بر اساس حکم به غیر ما انزل الله بود و احکام غیرالهی آنها را از جنس کفر عملی می‌دانست که منجر به کفر اعتقادی و خروج از دین نمی‌شوند (البانی، ۱۴۱۸: ۳۳ ـ ۳۰). او معتقد بود سلفی‌های جهادی آیه «غیر ما انزل الله» را به شیوه خوارج تفسیر می‌کنند و اقدامات آنها در تفکیر حاکمان و ملت‌ها دنباله‌روی از همان فتنه قدیمی خوارج است (همان: ۱۱). البانی علی‌رغم نفوذ اندیشه‌های سید قطب در میان سلفیان، او را سلفی نمی‌دانست زیرا وی اصول علمی سلفیه همچون تتبع در احادیث و رجوع به سلف را در تفسیر و آثار خود دنبال نمی‌کند و بعضی از نظراتش متفاوت از سلف و مطابق با خلف است (همو، بی‌تا الف: ۷ / ۷). مواضع البانی در نقد تکفیر حاکمان با استقبال جریان سلفی وهابی سنتی در عربستان روبرو شد و با وجود اختلاف‌نظر آنها با وی در موضوع کفر عملی، افرادی همچون بن‌باز و ابن‌عثیمین به تأیید سخنان البانی در تکفیر حاکمان و دولت‌ها پرداختند (همو، ۱۴۱۸: ۵۰ ـ ۴۵).

ب) تکفیر مذاهب اسلامی

البانی از تکفیر کلی پیروان مذاهب اسلامی پرهیز می‌کرد و تکفیر یک مذهب مشخص را نادرست می‌دانست. وی دو دلیل برای این موضوع مطرح می‌کند: ۱. کفر عملی (انجام عملی که ظاهرش کفر است) موجب کفر اعتقادی نمی‌شود (همو، ۲۰۱۰: ۴ / ۲۵۲) ۲. تکفیر مخصوص اهل علم است و نه اهل جهل، بلکه حتی در صورت وجود کفر در مذهبی، باید مشخص شود تمام علمای آن مذهب، بدان کفر عقیده دارند و افزون بر این، قبل از تکفیر نیز باید با آنها بحث شده و حجت بر آنها اقامه شود (همان: ۲ / ۴۶۱ و ۴ / ۲۵۲). براین‌اساس، البانی از تکفیر مذهب شیعه نیز پرهیز می‌کند و می‌گوید: «من جرأت سخن گفتن از کفر شیعه را که به آنها رافضی می‌گویند، ندارم مگر اینکه عقیده هرکدام از آنها را بدانم» (همان: ۲ / ۴۶۱). به نظر البانی وجود بعضی از اعتقادات کفرآمیز ـ از نگاه خودش ـ در میان بعضی از شیعیان، همچون تحریف و نقص قرآن، نیز برای تعمیم کفر به همه آنها کافی نیست (همان: ۲ / ۲۶۱). البته البانی همچون سایر سلفی‌ها اطلاعات یا برداشتی نادرست از روایات شیعه دارد و گمان می‌کند قرآن در همان مصحف حضرت فاطمه‌علیها‌السلام آمده است و طبق اعتقاد به این مصحف قرآن کنونی ربع قرآن حقیقی است. درحالی‌که این مصحف با قرآن متفاوت است و هیچ آیه از قرآن در آن نیامده است (کلینی،

۱۳۸۷: ۱ / ۵۹۵). البانی معتقد است سلفی‌ها در بیان اوصاف فِرَق اسلامی باید تنها بر عنوان ضلالت و گمراهی آنها اکتفا کرده و از تکفیر آنها بپرهیزند (البانی، ۲۰۱۰: ۵ / ۵۵۲). این موضع البانی در اختلاف با سلفی‌های نجدی در عربستان (وهابیت) بود زیرا آنها کفر فعلی را موجب حکم به کفر اعتقادی می‌دانند (ابورحیم، ۲۰۰۱: ۱۰۰). افزون بر این، البانی تقسیم‌بندی شریعت به اصول و فروع دینی را غیراصیل و بدون دلیل می‌داند و معتقد است که معذور بودن مجتهد در صورت خطا اختصاص به اجتهاد در فروع دینی و احکام شرعی ندارد بلکه اجتهاد در اصول دینی و مسائل عقایدی نیز موجب معذوریت مجتهد می‌شود و براین‌اساس، او مذاهب کلامی را به‌خاطر خطا در عقاید معذور می‌داند (البانی، ۲۰۱۰: ۵ / ۷۳۰ ـ ۷۲۷). این موضوع نیز مخالفِ نظر سلفی نجدی (وهابیت) است زیرا آنها محل اجتهاد را در امور فرعی می‌دانند و اجتهاد در اعتقادات را نمی‌پذیرند (بن‌باز، ۱۴۲۰: ۱ / ۱۱۶).

ج) تکفیر تارک نماز

یکی از موضوعات اختلافی در موضوع تکفیر بین البانی و فقهای سلفی وهابی، بحث تکفیر تارک نماز است. فقهای وهابی همچون بن‌باز و ابن‌عثیمین ترک نماز را حتی درصورتی‌که فرد به وجوب آن معتقد باشد، کفر اکبر و موجب خروج از دین می‌دانند (بریک، ۲۰۰۹: ۲۰۳ ـ ۱۷۵). ولی البانی درصورتی‌که فرد، معتقد به وجوب نماز باشد، مجرد ترک نماز را عامل خروج از دین اسلام نمی‌داند، و ترک آن را تنها موجب فسق می‌داند (البانی، ۲۰۰۲: ۷ / ۱۵۲). به‌صورت کلی البانی معتقد است حتی درصورتی‌که فرد هیچ‌کدام از دستورات و ارکان چهارگانه عبادی دین را انجام ندهد، توحید و شهادت به یگانگی خداوند برای بقای ایمان و نجات از خلود در جهنم کافی است (همو، ۲۰۱۰: ۴ / ۱۷۶). موضع البانی در عدم تکفیر تارک نماز یکی از دلایل انتساب وی به عقیده مرجئه توسط مخالفان سلفی و وهابی بوده است. البانی با ذکر اختلافات فکری خود با مرجئه می‌گوید در برابر اتهام ارجاء، او نیز می‌تواند مقابل به‌مثل کند و مخالفان را به عقیده خوارج منتسب کند زیرا خوارج تارک نماز و مابقی ارکان چهارگانه را از دین خارج می‌کنند (همو، ۲۰۰۲: ۷ / ۵).

شش. سیاست‌گریزی

البانی در رویکرد علمی و تبلیغ دینی از دو شعار «تصفیه» و «تربیت» بسیار استفاده می‌کند و آنها را از مراحل دستیابی به دین‌داری صحیح می‌داند. مقصود او از تصفیه، پاک‌سازی و خالص‌سازی دین از امور اضافه شده به آن، در ابعاد مختلف عقاید، حدیث، تفسیر، احکام، اخلاق و ...، ـ با نگاه خودش ـ است و مقصودش از تربیت، تمسک به اخلاق دینی از جهت ظاهری و باطنی بر اساس روش کتاب و سنت ـ براساس رویکرد سلفی ـ است (عبدالمنعم سلیم، بی‌تا: ۲۰۸ ـ ۲۰۷). البانی حرکت‌های سیاسی در جهان

اسلام را قبل از پرداختن به تصفیه و تربیت دارای آثار سوء می‌داند (البانی، ۲۰۱۰: ۲ / ۲۳). در واقع او تصفیه و تربیت را شرط لازم برای اقدام سیاسی می‌داند و معتقد است بدون وجود افراد عالم و باتقوا دنبال کردن امور سیاسی نتیجه مطلوب ندارد (همان: ۲۴). البانی خود را مخالف سیاست نمی‌داند ولی مصلحت زمان کنونی را عدم ورود عالمان و دین‌داران به عرصه سیاست می‌داند و از آن با تعبیر «من السیاسة ترک السیاسة» یاد می‌کند (دروس، بی‌تا الف: ۹ / ۱۰). او سخن یکی از رهبران اخوان المسلمین (حسن البَنّا یا حسن الهُضَیبی) را همچون سخن وحی می‌داند که می‌گوید: «دولت اسلام را در قلوب‌تان برپا کنید تا دولت اسلام در سرزمین شما برپا شود» (همو، ۱۴۲۱: ۱ / ۳۳). البانی در نظر گرفتن این امور را موجب انحراف سلفی‌ها در تکفیر حاکمان می‌داند (همو، بی‌تا الف: ۲۰ / ۷). از این جهت، گفتمان علمی البانی گفتمان وهابی و دیگر خرده‌گفتمان‌های سلفی را مورد انتقاد قرار می‌دهد (اکوانی و میراحمدی، ۱۳۹۶: ۵۰). البانی همچنین با حزب‌گرایی و شرکت در اصول دموکراسی همچون پارلمان به شدت مخالف است و آن را مخالف شرع می‌داند و ورود به این عرصه‌ها توسط سلفیون را فاصله گرفتن از اصول سلفیت تلقی می‌کند (همو، بی‌تا الف: ۲۰ / ۷).

هفت. مخالفت با اطلاق جهاد

البانی جهاد را نیازمند دو امر می‌داند: ۱. توانایی معنوی، به این معنا که افراد، ایمان و اخلاق اسلامی صحیحی داشته باشند و ازاین‌رو تصفیه و تربیت مقدمه‌ای برای انجام جهاد است. ۲. توانایی مادی به این معنا که اسلحه و ابزارهای نظامی کافی برای شکست دادن دشمن وجود داشته باشد. از نگاه وی باید جهاد توسط یک حکومت مقتدر که نیروهای مؤمنِ باتقوا و متعهد و قوای نظامی کافی دارد، انجام شود، و ازاین‌جهت عملیات نظامیِ فردی علیه دشمنان را صحیح نمی‌داند (شادی، ۲۰۱۱: ۹ / ۷). البانی نگاهی نتیجه‌گرا به جهاد دارد و با اینکه در موضوع فلسطین جهاد با صهیونیست‌ها را واجب عینی می‌داند ولی اقدامات جهادی و انتفاضه فلسطینی‌ها را عملیاتی احساسی و فردی می‌داند که پشتوانه نظامی کافی برای شکست دشمن ندارد و خسارت بیشتری برای مسلمانان دارد (همان: ۱۰ / ۳۳۲). افزون بر این، البانی هجرت را نیز در کنار جهاد یکی از دستورات دینی می‌داند و براین‌اساس در نظری جنجال‌برانگیز خواستار مهاجرت فلسطینی‌ها از مناطقی از فلسطین بود که در آن آزادی دینی ندارند (البانی، ۱۹۹۶: ۶ / ۸۵۵). این نظر در سال‌های انتهایی حیات البانی به‌صورت یک فتوا انعکاس یافت و موضع‌گیری‌های تندی را بر علیه البانی برانگیخت (شقره، بی‌تا: ۳۰ ـ ۱۳). موضوع کمک گرفتن از کفار در جنگ و جهاد نیز یکی از اختلافات البانی با وهابیت رسمی و حکومتی در عربستان سعودی بود. در جریان جنگ دوم خلیج فارس و اشغال کویت توسط حکومت بعث عراق، مفتیان عربستان فتوا به جواز کمک گرفتن از کفار

(آمریکا و متحدان غربی) دادند (بریک، ۲۰۰۹: ۶۷۲). اما البانی معتقد بود کمک گرفتن از کفار در جهاد به‌صورت مطلق و در هر شرایطی جایز نیست (البانی، ۱۹۹۲: ۱۳ / ۲۰۹). او هر دو طرف جنگ، یعنی عراقِ متجاوز و عربستان متحد با غرب را در این جنگ خطاکار می‌دانست و این جنگ را یک فتنه معرفی می‌کرد (شادی، ۲۰۱۱: ۱۱ / ۲۱). البانی شر کمک گرفتن از کفار را کمتر از تجاوز عراق به کویت نمی‌دانست و به تخطئه فتوای مفتیان عربستان دراین‌باره می‌پرداخت (همان: ۳۰).

نتیجه

البانی در اندیشه‌های هویت‌ساز سلفیت با جریان‌های سلفی اشتراک نظر دارد و این موضوع موجب شده تحقیقات او در بسیاری از ابعاد حدیثی مورد توجه سلفیون و به‌خصوص سلفی نجدی (وهابیت) باشد. افزون بر این در اندیشه‌های مرتبط با توحید و شرک نیز البانی با جریان وهابیت قرابت زیادی دارد و تمایزی از جهت اساس این تفکر میان آنها وجود ندارد. بااین‌حال نگاه خاص به عدم رکنیت عمل در ایمان و تقسیم کفر توسط البانی به کفر اعتقادی و کفر عملی موجب فاصله گرفتن از تفکیر مذاهب و افراد شده است و او برخلاف وهابیت رفتارهایی که از نگاه وی کفر یا شرک هستند، مبنای تکفیر و خروج از دین قرار نمی‌دهد. همچنین تأکید سلفی علمی البانی بر نفی تقلید و برداشت مستقیم از منابع موجب بروز اندیشه‌های متفاوت در این جریان شده است که به واگرایی این جریان با سایر جریان‌های سلفی انجامیده است. ابعاد اجتماعی این اختلاف‌ها بر نقاط اشتراک آنها با دیگر سلفی‌ها غالب شده و موجب جدایی آنها شده است.

منابع و مآخذ

۱. ابن‌تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۹۸٦ م). ***منهاج السنة النبوية***. ریاض: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.

۲. ابن‌تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۹۹۵ م). ***مجموع الفتاوى***. مدينة: مجمع الملك فهد.

۳. ابن‌تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱٤۲٦ ق). ***بيان تلبيس الجهمية فی تأسيس بدعهم الكلامية***. ریاض: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.

٤. ابن‌قیم الجوزية (۱٤۲۸ ق). ***حادی الأرواح إلى بلاد الأفراح***. جدة: مطبوعات مجمع دار عالم فوائد.

۵. ابن‌عثیمین، محمد بن صالح بن محمد (۱۹۹۱ م). ***رسالة الحجاب***. ریاض: مدار الوطن.

٦. ابورحیم، محمد (۲۰۰۱ م). ***حقيقة الإيمان عند الشيخ الألبانی***. اردن: دار الجوهری.

۷. ابی‌حیان اندلسی (۱۹۸۷ م). ***البحر المحیط***. بیروت: دار الجنان.

۸. اکوانی، حمداله، مهدی عوض‌پور، منصور میراحمدی، و علیرضا سمیعی اصفهانی (۱۳۹۶ ش). گفتمان سلفیه علمی؛ سیاست پرهیزی و واسازی سلفیت وهابی. ***دانش سیاسی***. ۸ (۲ ـ ۱).۶۹ ـ ۴۱.

۹. البانی، ناصرالدین (بی‌تا الف). ***دروس للشیخ الألبانی***. بی‌جا: نشر الکترونیک الشبکة الإسلامیة.

۱۰. البانی، ناصرالدین (۲۰۱۰ م). ***موسوعة العلامة الإمام مجدد العصر محمد ناصرالدین الألبانی***. یمن: مرکز النعمان للبحوث و الدراسات الإسلامیة.

۱۱. البانی، ناصرالدین (۱۹۹۲ م). ***سلسلة الاحادیث الضعیفة و الموضوعة***. ریاض: دار المعارف.

۱۲. البانی، محمد ناصرالدین (۲۰۰۱ الف). ***التوسل، انواعه و احکامه***. تحقیق محمد عید العباسی. ریاض: مکتبة المعارف.

۱۳. البانی، ناصرالدین (۱۹۷۸ م). ***العقیدة الطحاویة شرح و تعلیق***. بیروت: المکتب السلامی.

۱۴. البانی، ناصرالدین (۲۰۰۱ م ب). ***تحذیر الساجد من اتخاذ القبور مساجد***. ریاض: مکتبة المعارف.

۱۵. البانی، ناصرالدین (۱۹۹۵ م). ***سلسلة الأحادیث الصحیحة***. ریاض: مکتبة المعارف.

۱۶. البانی، ناصرالدین (۱۹۹۶ م). ***سلسلة الأحادیث الصحیحة***. ریاض: مکتبة المعارف.

۱۷. البانی، ناصرالدین (۲۰۰۲ م). ***سلسلة الأحادیث الصحیحة***. ریاض: مکتبة المعارف.

۱۸. البانی، ناصرالدین (بی‌تا ج). ***تفریغ «سلسلة الهدی و النور***. بی‌جا: بی‌نا.

۱۹. البانی، ناصرالدین (۲۰۰۲ م). ***جلباب المرأة المسلمة***. اردن: مکتبة دندیس للتوزیع.

۲۰. البانی، ناصرالدین (۱۹۹۹ م). ***الذب الأحمد عن مسند الإمام أحمد***. بیروت: مؤسسة الریان.

۲۱. البانی، ناصرالدین (۱۴۲۱ ق). ***الرد المفحم علی من خالف العلماء وتشدد وتعصب وألزم المرأة بستر وجهها وکفیها وأوجب ولم یقتنع بقولهم: إنه سنة ومستحب***. اردن: المکتبة الاسلامیة.

۲۲. البانی، ناصرالدین (۱۴۱۸ ق). ***فتنة التکفیر***. ریاض: دار ابن‌خزیمة.

۲۳. البانی، ناصرالدین (۱۴۲۱ ق). ***التصفیة والتربیة وحاجة المسلمین إلیهما***. اردن: المکتبة الاسلامیة.

۲۴. امیرخانی، علی (۱۳۸۹ ش). ابوالاعلی مودودی و جریان نوسلفی‌گری. ***معرفت کلامی***. ۱ (۳). ۱۷۳ ـ ۱۴۳.

۲۵. بریک، سعد بن عبدالله (۲۰۰۹ ق). ***الإیجاز فیما اختلف فیه الألبانی و ابن‌عثیمین و ابن‌باز***. ریاض: دار النشر العصیمی.

۲۶. بن‌باز، عبدالعزیز (۱۴۲۰ ق). ***مجموع فتاوی بن‌باز***. ریاض: دار القاسم.

۲۷. بن‌باز، عبدالعزیز (بی‌تا). ***فتاوی نور علی الدرب***. ریاض: مؤسسه الشیخ عبدالعزیز بن‌باز.

۲۸. تویجری، حمود بن عبدالله (۱۹۷٤ م). ***الصارم المشهور علی أهل التبرج والسفور***. بیروت: دار السلام.

۲۹. تویجری، حمود بن عبدالله (۱۹۸۹ م). ***عقیدة أهل الأیمان فی خلق آدم علی صورة الرحمن***. ریاض: دار لواء.

۳۰. چهل تنان، علی‌اکبر؛ علی‌رضا گلشنی و محمد آگاه (۱۳۹۷ ش). واکاوی انگاره‌های بنیادگرایی سلفی در اندیشه شیخ ناصرالدین آلبانی. ***نشریه مطالعات اندیشه معاصر مسلمین***. ۲ (٤). ۱۲۰ ـ ۹۷.

۳۱. زاهدی‌فر، سیفعلی (۱۳۹٤ ش). ***بررسی و نقد مبانی و آرای حدیثی البانی***. قم: دار الاعلام.

۳۲. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد (۱۹۸۱ م). ***مختصر العلو للعلی الغفار***. تحقیق محمد ناصرالدین البانی. بیروت: مکتب الاسلامی.

۳۳. سبحانی، جعفر (۱۳۹٦ ش). ***درس‌نامه نقد وهابیت***. قم: دار الاعلام.

۳٤. سقاف، حسن بن علی (۲۰۰۵ م). ***البشارة والإتحاف بما بین ابن‌تیمیة والألبانی فی العقیدة من الاختلاف***. اردن: دار الإمام النووی.

۳۵. سید قطب (۱٤۱۲ ق). ***فی ظلال القرآن***. بیروت: دار الشروق.

۳٦. شادی بن محمد آل‌نعمان (۲۰۱۱ م). ***جامع تراث العلامة البانی فی المنهج و الاحداث الکبری***. صنعاء: مرکز النعمان.

۳۷. شقره، محمد إبراهیم (بی‌تا). ***ماذا ینقمون من الشیخ؟!***. بی‌جا: بی‌نا.

۳۸. شیبانی، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۷ م). ***حیاة الالبانی و آثاره و ثناء العلماء علیه***. قاهرة: مکتبة السدّاوی.

۳۹. صنعانی، أبو إبراهیم (۱٤۰۵ ق). ***رفع الأستار لإبطال أدلة القائلین بفناء النار***. تحقیق محمد ناصرالدین البانی. بیروت: المکتب الإسلامی.

٤۰. عبدالمنعم سلیم، عمرو (۲۰۰٤ م). ***التعلقات السنیة شرح اصول الدعوة السلفیة البانی***. قاهرة: دار الضیاء.

٤۱. عبدالمنعم سلیم، عمرو (بی‌تا). ***المنهج السلفی عند الشیخ ناصرالدین الألبانی***. طنطا: مکتبة الضیاء.

٤۲. عبداللهی عابد، صمد و اکرم عتیق گلباف (۱۳۹۸ ش). بررسی روایت «توسل به حق سائلین» و نقد دیدگاه‌های البانی در آن. ***مطالعات فهم حدیث***. ۲ (۱). ۱۲۱ ـ ۱۰۳.

٤۳. کاظمی، ابراهیم (۱۳۹۵ ش). بررسی اختلافات اعتقادی ابن‌تیمیه و البانی. ***سراج منیر***. ٦ (۳). ۹٦ ـ ۷۷.

٤٤. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷ ش). ***الکافی***. قم: دار الحدیث.

٤٥. محمدالعلی، ابراهیم (۱۴۲۲ق). ***محمد ناصرالدین الالبانی محدث العصر و ناصر السنة***. دمشق: دار القلم.

٤٦. محیطی، مجتبی و مهدی فرمانیان (١٤٠٠ ش). بازخوانی نگاه سلفیان به اجتهاد و تقلید. ***مجله علمی پژوهش‌های فقهی***. ۱ (۲). ٤٨٣ ـ ٤٦١.

٤٧. مودودی، ابوالاعلی (۱۹۷۸ م). ***الخلافة و الملک***. تعریب احمد ادریس. کویت: دار القلم.

٤٨. مودودی، ابوالاعلی (۱۳۹۳ ش). ***مبادی اسلام و برنامه انقلاب اسلامی***. ترجمه غلامرضا سعیدی. قم: کلبه شروق.

٤٩. نیشابوری، مسلم (۱۹۹۱ م). ***صحیح مسلم***. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.